

کتاب خانم هشترودی در پاریس تحت عنوان " بازگشت از ایران " به چاپ رسید ؛ این کتاب پس از اعلام جدایی ایشان از شورای ملی مقاومت (بدل_ سازمان مجاهدین خلق) و دو سفری که به ایران داشت ، به رشته تحریر درآمد .

کتاب_ بازگشت ؛ پس از فحاشیهای دوستان سابق_ خانم هشترودی خطاب به ایشان منتشر گردیده از همین رو مخاطب را برآن می دارد که ماجرا را از این جهت دنبال نماید که وی چگونه و با چه ادبیاتی پاسخ آنها را داده است ؟!

همین که ایشان حاضر نشده با ادبیات خاص_ مجاهدین ، جواب منتقدین خود را بدهد ، کاملا مشخص می گردد که وی از این فرقه ارتجاعی فاصله نوری گرفته است و اوضاع اسیران ذهنی در فرقه را نیز درک کرده است که صرفا دستور تشکیلاتی مجاهدین را برای این سنگسار سیاسی باجرا درآورده اند.

در صفحه هفدهم کتاب می خوانیم :

" در سال 1988 برای تهیه گزارشی درباره ارتش_ مجاهدین (سازمان مجاهدین خلق) روانه عراق شدم ، ورودم به آنجا پس از آخرین حمله بزرگ و نافرجام مجاهدین برای تسخیر قدرت و پیش از اعلام آتش بس میان ایران و عراق بود.

پس از استعفای چندین عضو شورا ؛ به ویژه هدایت و مریم دفتری ، رهبران جبهه دموکراتیک و به ترتیب نوه و عروس مرحوم مصدق ، نخست وزیر سابق ایران و همچنین استعفای هادی مهابادی ، شیمی دان و از مشاهیر جهانی ؛ شورای ملی مقاومت ایران عملا ناتوان و از درجه اعتبار ساقط شد ؛ از این رو برای من ادامه عضویت در شورایی که این چنین بی ارزش و از درجه اعتبار ساقط شده و سازمان مجاهدین خلق آن را رهبری می کند ، حاصلی جز این نداشت که هم به خودم دروغ بگویم و هم به ملت ایران دروغ بگویم ، به همین دلیل و در پی این اندیشه بود که در نوامبر 2002 استعفای خود را به رئیس شورای ملی مقاومت NCRI تسلیم کردم ؛ استعفا نامه ام به شکلی که نگاشته شده بود ، مورد پذیرش واقع نشد ولی حاضر نشدم ذره ای از آن را تغییر دهم ."

بدین سان خانم هشترودی از یک ائتلاف صوری ؛ که صرفا ویتربینی برای مجاهدین بود خارج گردید تا به تاریخ اثبات نماید که مجاهدین خلق هم به نیروهای خودشان دروغ می گویند و هم به مردم ایران و اساسا برای کسب قدرت؛ ارتشی را در اردوگاههای اهدائی صدام ، تاسیس کرده بودند ولاعیر .